

پیش‌بینی گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور بر اساس تأثیر میزان رضایت و نگرش آنان نسبت به تصویر و جو دانشگاه (مطالعه موردی: دانشگاه سمنان)^۱

رضا شهرداری پور^۲
علی‌اکبر امین بیدختی^۳
محمدعلی محمدی فر^۴
کوروش کیانی^۵

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر میزان رضایت دانشجویان، نگرش نسبت به تصویر دانشگاه و جو دانشگاه بر گرایش به مهاجرت از کشور دانشجویان نخبه دانشگاه سمنان انجام شد. بدین منظور بر اساس روش پژوهش توصیفی-همبستگی و با استفاده از پرسشنامه‌های، گرایش به مهاجرت، جانعلیزاده و همکاران (۲۰۱۴)، رضایت دانشجویان، ایزدی و همکاران (۲۰۰۸)، نگرش دانشجویان از تصویر دانشگاه، لورا و همکاران (۲۰۰۳) و جو دانشگاه، نصرتی و همکاران (۲۰۱۵)، داده‌های پژوهش از ۱۶۳ دانشجوی نخبه دانشگاه سمنان جمع‌آوری شد.

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری تحت عنوان «مدلسازی عوامل موثر بر برون کوچی نخبگان علمی از سیستم آموزش عالی و پیش‌بینی مهاجرت پذیری آنان با استفاده از سیستم‌های هوشمند» رشته مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان می‌باشد که در سال ۱۳۹۶ به اتمام رسیده است.

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: rezashahryaripour@semnan.ac.ir

^۳ استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، پست الکترونیک: a.aminbeidokhti@semnan.ac.ir

^۴ استادیار گروه روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، پست الکترونیک: alimohammadyfar@semnan.ac.ir

^۵ استادیار گروه کامپیوتر و فناوری اطلاعات، دانشکده برق و کامپیوتر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، پست الکترونیک: kouros.kiani@semnan.ac.ir

تحلیل داده‌ها در خصوص متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش نشان داد که دانشجویان پسر، دانشجویان مجرد و دانشجویان کارشناسی ارشد، نسبت به سایر دانشجویان، گرایش بیشتری به مهاجرت از کشور داشتند. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه متغیرهای میزان رضایت، نگرش دانشجویان به تصویر دانشگاه و تمامی ابعاد جو دانشگاه با گرایش به مهاجرت دانشجویان، منفی و معنادار بود؛ در ضمن متغیرهای پژوهش، به میزان ۱۶ درصد، توانایی پیش‌بینی گرایش به مهاجرت دانشجویان را از کشور داشتند. همچنین در خصوص وضعیت گرایش، یافته‌ها نشان داد که ۵۱/۲ درصد گرایش متوسط و ۳۳/۶ درصد از دانشجویان نخبه گرایش بالایی برای مهاجرت از کشور اعلام کردند. نتیجه به‌دست‌آمده نشان داد که با بررسی میزان رضایت دانشجویان نخبه و نوع نگرش آنان نسبت به تصویر دانشگاه و تحلیل زوایای گوناگون جو دانشگاه، می‌توان به چگونگی رفتار، احساسات، دیدگاه‌ها و نگرش دانشجویان نخبه در خصوص گرایش به مهاجرت پی‌برد و واکنش احتمالی آنان را، ارزیابی، پیش‌بینی و حتی هدایت کرد؛ چراکه مسئله مهاجرت نخبگان از کشور، یک معلول تک‌علتی نیست و دارای ابعاد گسترده و درهم‌تنیده‌ای است که نادیده گرفتن هر عامل از آن سبب درک نادرست و غیرواقعی از این پدیده می‌گردد.

واژگان کلیدی

دانشجویان نخبه، گرایش به مهاجرت، رضایت دانشجویان، تصویر دانشگاه، جو دانشگاه

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، نخبگان را سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای می‌دانند که پیشرفت اقتصادی آن جامعه را رقم می‌زنند (بلندهمتان و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). چراکه توانمندی آنان آهنگ و قابلیت توسعه کشور را افزایش می‌دهد (صحبتی‌نیا، جمالی و منصوریان، ۱۳۹۲: ۲۷۴). مهاجرت نیروی کار ماهر و آموزش‌دیده که به فقدان عظیم سرمایه‌های انسانی منجر می‌شود به موضوع مهمی برای سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورها تبدیل گردید (داونپورت^۱، ۲۰۰۴: ۶۱۷). یکی از مهم‌ترین مهاجرت‌های بین‌المللی که در آن کیفیت نیروی مهاجرت‌کننده دارای اهمیت است، مهاجرت نخبگان می‌باشد (جوهری و سراج‌زاده، ۱۳۸۴، ۵۸). به‌طورکلی، مهاجرت نخبگان، به معنای انتقال دائمی سرمایه انسانی از کشورهای درحال توسعه به کشور توسعه‌یافته است (آلان و بالاز^۲، ۲۰۰۵: ۴۴۱). قابل استدلال است که مهاجرت نخبگان علمی، خسارت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی بر جامعه وارد می‌سازد (پورقاسی، ۱۳۹۱). از عمده‌ترین خسارت برون‌کوچی نخبگان علمی، می‌توان به فرایند خروج ژن نخبگی (فرار ژن‌ها^۳) از کشور اشاره کرد که باعث کاهش جمعیت کشور به لحاظ کیفی

۱. Davenport

۲. Allan and Balaz

۳. Brainy Genes Migration

می‌گردد (زلفی گل، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، آمارهای رسمی و غیررسمی ارائه شده در خصوص وسعت و دامنه پدیده فرار مغزها در ایران گویای این واقعیت است که امروزه جریان خروج نیروی انسانی متخصص و برخوردار از سرمایه انسانی بالا و کارآمد، هم چون اساتید دانشگاه، پزشکان، پژوهشگران، مهندسان و... به صورت یک معضل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور درآمده و بیم‌ها و نگرانی‌های زیادی را در کشور برانگیخته است (میرترابی و خاوری نژاد، ۱۳۹۳).

در همین راستا و بر اساس گزارش ۲۰۱۵ موسسه آمار یونسکو، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ تعداد دانشجویان بین‌المللی دنیا بیش از ۲ برابر افزایش داشته است؛ طبق این گزارش، در سال ۲۰۱۳ بیش از ۴.۱ میلیون دانشجوی در سراسر جهان برای ادامه تحصیل به خارج از کشور خود رفته‌اند (شهریاری پور، ۱۳۹۶). آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، کشور ایران در بین ۷۲ کشور در حال توسعه جهان رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا بوده که مقصد بیش از نیمی از این نیروهای متخصص کشور آمریکا است (سازمان ملل، ۲۰۱۳ به نقل از جوادزاده). همچنین آمار ارائه شده از سوی این سازمان در سه سال منتهی به سال ۲۰۱۱ (آخرین آمار ارائه شده)، حدود ۸۴۵ هزار نفر از ایران خارج شده‌اند که حدود ۴۲۴ هزار نفر از آنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (جوادزاده، ۱۳۹۴).

همچنین به استناد گزارش مدیرکل امور دانشجویان داخل وزارت علوم در بهمن‌ماه ۱۳۹۵، سالانه حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی با مراجعه به این اداره کل به دنبال تأیید مدرک برای ترجمه و ادامه تحصیل در خارج از کشور هستند که در این بین بیشترین مراجعه را، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه فردوسی مشهد دارند (شهریاری پور، ۱۳۹۶). مطابق آمار ارائه شده توسط معاون امور فرهنگی و برنامه‌ریزی بنیاد ملی نخبگان در مهرماه سال ۱۳۹۲، طی سال‌های ۸۲ تا ۸۶، ۳۰ درصد دارندگان مدال‌های المپیادهای علمی و حدود ۲۵ درصد برترین‌های آزمون سراسری به خارج از کشور کوچ نمودند (جانعلی‌زاده و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۵۴). بر اساس آمار موجود ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی در حال حاضر در بهترین دانشگاه‌های خارج از کشور جذب شده‌اند؛ به عبارت دیگر، از ۱۷۵ نفر دارندگان مدال المپیادهای کشور طی دو دهه اخیر حدود ۹۲ درصد آنان به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند (نیکوکار، ۲۰۰۹).

در حال حاضر، آموزش عالی در کشور، تغییرات چشمگیری را در طول چند سال گذشته تجربه کرده است؛ به‌ویژه گسترش کمی نظام آموزش عالی، بدون توجه به کیفیت و ظرفیت‌های موجود؛ که پیامدهایی همچون افت تحصیلی، وابستگی علمی، نبود کارآفرینی، ضعف تولید دانش و فرار مغزها را در پی داشت (آقامولایی، زارع و عابدینی، ۲۰۰۶). در محیط رقابتی امروز، رضایت مشتری، یک عنصر کلیدی در موفقیت و برتری سازمان‌ها و یک عامل مهم برای سودآوری و وفاداری مشتریان به سازمان محسوب می‌شود (گیتمن و مک

دانیل^۱، ۲۰۰۵؛ مانوئل^۲، ۲۰۰۸). دانشجویان مشتریان اصلی دانشگاه‌ها هستند و آموزش عالی تأکید زیادی بر برآورده کردن انتظارات، نیازها و رضایت آنان دارد. افزون بر این، تمرکز بر رضایت دانشجوی، ضمن آنکه دانشگاه را قادر به مهندسی مجدد سازمان خود برای انطباق با نیازهای دانشجویان می‌سازد، بلکه به دانشگاه اجازه می‌دهد برای برخورد اثربخش با تمایلات و گرایش‌های دانشجویان به‌ویژه مهاجرت، به توسعه یک سیستم نظارتی مستمر همراه با پایش کیفیت بپردازد. چراکه در حال حاضر جلب رضایت دانشجویان، می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در کاهش گرایش آنان به مهاجرت، لحاظ شود.

بررسی ادبیات دانشگاهی و مطالعات مختلف نشان می‌دهد که در سازمان‌های بزرگ، تصویر^۳، امری مهم برای افزایش نیت خرید، رضایت، ارتقای وفاداری و افزایش فروش است (سلیمی، بلندهمتان، عبدی، ۱۳۹۵). تصویر دانشگاهی نیز بیشتر به‌عنوان وسیله تشخیص دانشگاهی برای جذب بهترین دانشجویان، کارکنان و دسترس به منابع بالقوه بودجه اهمیت بسیاری دارد. تصویر دانشگاه^۴، برداشت و انتظاراتی است که ذی‌نفعان در خصوص کارکردهای دانشگاه دارند (سلیمی، بلندهمتان، عبدی، ۱۳۹۵). به‌عبارت‌دیگر، تصویر از مجموع باورها و نگرش‌ها که شخص یا گروه راجع به یک موضوع دارند، شکل می‌گیرد (آرپان، رینی و زیونسکا^۵، ۲۰۰۳). این نگرش‌ها از یک‌سو، بر تصمیمات دانشجویان در انتخاب دانشگاه و از سوی دیگر بر موقعیت دانشگاه در جذب و نگهداری دانشجویان مؤثر است (جیمز، بلدوین و مکینس^۶، ۱۹۹۹). یافته‌های پژوهش، آرپان و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که ویژگی‌های علمی، ورزشی و پوشش گسترده خبری دانشگاه بر تصویر ذهنی دانشجویان مؤثر است. بننت و علیچودهاری^۷ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تصویر اعتبار علمی دانشگاه دانشگاه تأثیر معناداری بر عملکرد دانشجویان دارد. یافته‌های پژوهش دورات و همکاران^۸ (۲۰۱۰) نیز نشان داد که تصویر ذهنی اعتبار علمی دانشگاه بیشتر از طریق کیفیت آموزشی بر متغیر عملکرد تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار است.

از سوی دیگر، جو^۹ کیفیت فضای تعاملی است که یک دانشگاه را از دانشگاه دیگر متمایز می‌سازد (هوی و میسکل^{۱۰}، ۲۰۰۸). این فضای تعاملی به‌وسیله ادراک اعضا و توصیف‌های آنان از ویژگی‌های درونی سازمان

۱. Gitman & McDaniel
۲. Manuel
۳. Image
۴. University Image
۵. Arpan, Raney & Zivnuska
۶. James, Baldwin & McInnis
۷. Bennett & Ali-Choudhury
۸. Duarte et al
۹. Atmosphere
۱۰. Hoy & Miskel

سنجیده می‌شود (هالپین و کرافت^۱، ۱۹۶۲)؛ و مبتنی بر رفتارهای اعضا و هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده در آن آن دانشگاه است (کینت^۲، ۲۰۰۸). به عبارت بهتر، جو دانشگاه، کیفیت نسبتاً پایدار محیط آموزشی است که حاصل تلاش، روابط و کنش‌های متقابل میان مسئولان، اساتید، کارکنان و دانشجویان می‌باشد (ثناگو، جویباری و مهرآور، ۱۳۹۱: ۳۰۵). حاصل نهایی این تعاملات، شکل‌گیری ارزش‌ها، اعتقادات و موازین اجتماعی نظام دانشگاه است (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۵: ۷۸). بنا به نظر فرایزر^۳ (۱۹۹۸) و فرایبرگ^۴ (۱۹۹۹) جو آموزشی، تعیین‌کننده رفتار و یادگیری و به‌طورکلی کیفیت زندگی در محیط آموزشی خواهد بود، به‌نحوی که در تأیید این مدعا، مکینیل^۵ (۲۰۰۹) نیز اظهار داشتند جو آموزشی مثبت، نه تنها بر پیشرفت تحصیلی، بلکه بر کاهش رفتارهای رفتارهای نابهنجار مؤثر است. محمدی و پیروی‌نژاد (۱۳۹۲) جو آموزشی را پیش‌بینی کننده قوی تعهد عاطفی دانشجویان اعلام کرد؛ نوروزی و همکاران (۲۰۱۵) رابطه جو دانشگاه با انگیزش تحصیلی دانشجویان؛ و نصرتی و همکاران (۲۰۱۵) رابطه جو دانشگاه با خودکارآمدی دانشجویان را همسو اعلام کردند. به‌طورکلی، کلید سازندگی و ارتقای هر جامعه‌ای در دست پر توان نخبگان آن جامعه است. اگر قرار باشد که بهترین و پیشرفته‌ترین قشر جامعه؛ یعنی دانشجویان نخبه، محیط آموزشی خود را دل‌چسب ندانند، موضوعات درسی را مفید نشمارند و نوع روابط اساتید و کارکنان دانشگاه را دلپذیر ندانند، باید منتظر بود تا بلایی سخت بر روح و جان آموزش و پرورش فرود آید و روح کاوشگر و توفیق طلب دانشجویان تخریب شود؛ بنابراین جو دانشگاه، اصول حاکم بر بعد علمی و آموزشی سیستم آموزش عالی را توجیه می‌کند که هرگونه ضعفی در آن، کوچ نخبگان را در پی خواهد داشت.

با توجه به اهمیت و ضرورت توصیف وضعیت گرایش دانشجویان نخبه به مهاجرت از کشور و شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش آنان، این پژوهش قصد دارد در میان عوامل گوناگون مؤثر، به بررسی تأثیر رضایت، تصویر و جو دانشگاه، بپردازد و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا رضایت دانشجویان نخبه و نگرش آنان نسبت به تصویر دانشگاه و جو حاکم بر دانشگاه بر گرایش به مهاجرت از کشور آنان، تأثیر دارد؟

ادبیات پژوهش

گرایش نوعی آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری برای انجام یک کار خاص است. در واقع گرایش به معنای ارزیابی پایدار از ابعاد مختلف دنیای اجتماعی است (بارون^۶، ۱۹۹۷: ۶۲). آلپورت^۱ (۱۹۳۵) معتقد است که

۱. Halpin & Croft
۲. Kindt
۳. Fraser
۴. Frieberg
۵. Macneil et al
۶. Baron

گرایش یک آگاهی ذهنی را برای یک عمل خاص می‌رساند که به وسیله تجربه سازمان‌دهی می‌شود و بر روی عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سروکار دارد تأثیر جهت دهنده و پویا می‌گذارد (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۵). به خاطر اینکه گرایش را به‌طور مستقیم نمی‌توان شناخت، لذا باید از واکنش‌های شخص نسبت به یک پدیده استنتاج شود. (ظهیری نیا، ۱۳۸۳: ۶۲). در ارتباط با مهاجرت نظریه‌های مختلفی ارائه شده که هر یک از این نظریات تنها بخشی از ابعاد موضوع را پوشش داده و به آن می‌پردازد. به‌طور کلی در نظریه‌های مرتبط با مهاجرت دو مدل پویا و ناپویا وجود دارد که گاهی عملاً باهم درمی‌آمیزند و طرح‌های پژوهشی باید جنبه‌های مختلف هر دو مدل مهاجرت را تلفیق کند (فیندلی^۲، ۱۳۷۳: ۳۰). به‌عنوان مثال، در مدل اول، مهاجرت جستجوی عقلانی و هدف‌دار به‌منظور یافتن مکانی برای کار و یا زندگی تصور می‌شود و در مدل دوم، مهاجرت پاسخی غیرارادی به شرایطی است که مهاجر را به نقل مکان سوق می‌دهد و احتمالاً حرکت او بدون در نظر گرفتن راه‌های دیگر است. با توجه به اینکه در این پژوهش، گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه در شمار هر دو مدل قرار می‌گیرد به بررسی چند دیدگاه مرتبط با این دو مدل می‌پردازیم:

نظریه نظام آموزشی اقتباسی

بر اساس این تئوری نخستین علت فرار مغزها از کشورهای در حال رشد به نظام آموزشی آنان ارتباط دارد که به تقلید از الگوهای آموزشی کشورهای اروپایی به وجود آمده است. چنین تقلیدی باعث می‌شود که توجه جوانان این کشور به کشورهایی معطوف می‌گردد که به وجود آورنده این نظام آموزشی بوده‌اند (نراقی، ۱۳۵۶). مبتنی بر این دیدگاه، لین^۳ (۲۰۰۶) گسترش آموزش دانش نامناسب با کپی‌برداری از کشورهای توسعه‌یافته که سبب تخصیص نادرست منابع در امر آموزش می‌شود و آلتنباخ و همکاران^۴ (۲۰۰۹) امکانات آموزشی با کیفیت پایین و دسترسی نداشتن به امکانات پیشرفته تحقیقاتی؛ را از جمله مهم‌ترین عوامل در توجیه مهاجرت دانشجویان کشورهای جهان سوم بیان کرده‌اند.

دیدگاه تینتو^۵

بر اساس این دیدگاه، دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه صفاتی دارند که با سازگاری آنان با نظام دانشگاه در تقابل است. تینتو فرض کرده است که تعاملات دانشجو در دانشگاه ممکن است به تجارب مثبت که افزایش‌دهنده مقاصد و تعهدات به مؤسسه، یا تجارب منفی که تضعیف‌کننده مقاصد و تعهدات به مؤسسه است، منجر شود. اگر تجارب دانشجو در نظام دانشگاهی مثبت باشد، به تقویت اهداف و تعهدات و در نتیجه، تقویت

۱. Allport
۲. Findley
۳. Lien
۴. Altbach
۵. Tinto

تصمیم دانشجوی برای ماندن در مؤسسه می‌انجامد و اگر تجارب دانشجوی در نظام دانشگاهی بیشتر منفی باشد، تعهدات و اهداف دانشجوی ضعیف می‌شود و احتمال کمتری برای باقی ماندن دانشجوی در دانشگاه وجود دارد (تینتو، ۱۹۷۵).

دیدگاه سیستمی

دیدگاه سیستمی بر نگرش جامع به مسئله مهاجرت تأکید دارد و نگرش‌های تک‌بعدی را برای شناخت و درک و تحلیل مهاجرت کافی نمی‌داند. به عبارت دیگر، فرض اصلی این دیدگاه این است که اتصال فیزیکی شرط کافی جهت ایجاد یک سیستم اجتماعی نبوده و فرایند مهاجرت تنها بر اساس یک متغیر مورد بررسی و پژوهش قرار نمی‌گیرد. بلکه متغیرهای متعددی در ارتباط با یکدیگر و به‌طور متعادل در نظر گرفته می‌شوند (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۲۰۴).

پژوهش‌های داخلی و خارجی بسیاری در رابطه با مهاجرت دانشجویان صورت گرفته‌اند که هرکدام از زاویه‌ای خاص به آن نگریده‌اند در این میان، نمونه‌های زیر نزدیکی بیشتری با موضوع این مطالعه دارند: صادقی و افقی (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان دادند که در کاهش پدیده مهاجرت نخبگان، ویژگی‌های فردی، مجموعه عوامل داخلی به‌عنوان ساختار درونی، عناصر خاص دانشگاهی، عوامل ارتباط بین‌المللی و زیرمجموعه‌های آن همگی از طریق فضای دانشگاهی تأثیر بسزایی دارند. ارشاد و حمایت‌خواه جهرمی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای نشان می‌دهند حدود ۹۲/۵ درصد از نخبگان علمی تمایل به برون‌کوچی از کشور دارند. موحد و نیازی (۱۳۸۷) در مقاله خود به این نتیجه رسیدند که بعد پیامدی دینداری، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران با گرایش به مهاجرت دارای رابطه معنادار هستند. پژوهش حاتمی، جهانگیری و فتاحی (۱۳۹۱) نشان داد که عواملی رانشی و کششی به‌گونه‌ای معنادار در مهاجرت دانشجویان دختر به خارج از کشور مؤثرند. نتایج پژوهش حکیم‌زاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳) نشان داد، بیگانگی فرهنگی - اجتماعی و سن، همبستگی مثبت معنادار و رضایت از نظام آموزشی، همبستگی منفی معناداری با متغیر گرایش به مهاجرت دارند همچنین انطباق اجتماعی-دانشگاهی با میزان گرایش به مهاجرت رابطه معناداری ندارد و مردان به‌طور معناداری تمایل بیشتر و دانشجویان دوره کارشناسی در مقایسه با دوره کارشناسی ارشد و دکتری تمایل کمتری به مهاجرت دارند. یافته‌های پژوهش جانعلیزاده؛ علیوردی نیا و پورقاضی (۲۰۱۴) نشان داد بیش از نیمی از نخبگان (حدود ۵۴ درصد) تمایل به ماندن در ایران داشته‌اند و بیش از یک‌چهارم این شرکت‌کنندگان (۴۵/۲۵ درصد) مایل به مهاجرت بودند. مهم‌ترین یافته پژوهش توکل و عرفان‌منش (۱۳۹۴)، حاکی است، علیرغم افزایش سهم تولید علم و پیشرفت‌های علمی کشور، آمار مهاجرت نخبگان ایرانی همچنان بالاست. نتایج تحقیق زارع و هاشمی (۱۳۹۴) نشان داد که بین انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد

همچنین میزان گرایش دانشجویان به مهاجرت متوسط رو به بالا بوده، به طوری که ۶۷/۸ درصد دارای گرایش متوسط و ۳۰/۶ دارای گرایش بالا بوده‌اند.

مایرز^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان داد که عضویت و مشارکت در سازمان‌های دینی بر مهاجرت به خارج از کشور تأثیر می‌گذارد. جعفری معطر (۲۰۰۸) در پژوهش خود ضعف نظام آموزشی ایران را در صدر انگیزه‌های مؤثر بر دفع مغزها در نظر گرفته است. موراکامی^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داد که مهم‌ترین عامل ایجاد انگیزه در مهاجرت در میان محققان ژاپنی در دسترس بودن محیط تحقیقاتی عالی است که در تصمیم‌گیری به بازگشت به وطن مؤثر بوده است و محققانی که از محیط پژوهش مطلوب لذت برده‌اند و سطح رضایت بالایی دارند، به احتمال زیاد به میهن خود برنمی‌گردند. پناهی (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر مهاجرت مغزها را در ایران در دو دسته عوامل دافعه: (فقدان آزادی‌های مدنی، نارضایتی از وضعیت موجود، نادیده گرفتن یا کم‌توجهی به متخصصان، فقدان تسهیلات پژوهشی، محیط سیاسی، ارزش قائل نشدن برای دانش، بیکاری، فقدان امنیت شغلی و امیدهای پایین به آینده) و جاذبه: (حقوق بالاتر، احساس آزادی بیشتر، محترم شدن علم و دانش توسط حاکمان و مسئولان کشور، داشتن زندگی ذهنی و روحی توأم با صلح و آرامش، امیدواری بیشتر به آینده، اهمیت قائل شدن برای نخبگان در کشورهای توسعه‌یافته، اهمیت امنیت شغلی، آزادی اجتماعی و فرهنگی و منزلت اجتماعی بالاتر) طبقه‌بندی کرد.

پژوهش اینایاتی، آرای و سارجونو^۳ (۲۰۱۲) نشان داد که بعد عامل آموزش، به‌عنوان بانفوذترین عامل، برای تصمیم دانشجویان به عدم بازگشت به کشور اندونزی حکایت می‌کند. یافته‌های پژوهش هالوی و موید^۴ (۲۰۱۲) نشان داد قوی‌ترین سطح مهاجرت از کشورهای چین، کانادا، هند، انگلستان، استرالیا و دیگر کشورها و در سطح بعدی کشورهایی مانند ایران، مکزیک، سنگاپور، ترکیه، ایرلند، لهستان و دیگر کشورها به سمت ایالات متحده آمریکا وجود دارد. در مطالعه بندیکت و اوکیپر^۵ (۲۰۱۲) دلایل مهاجرت نخبگان علمی آفریقا را به عوامل جاذبه: (کیفیت بالای نظام آموزشی و جاذبه‌های اقتصادی) و عوامل دافعه: (اشکالات در زیرساخت‌های نظام آموزشی) نسبت دادند. یافته‌های تحقیقاتی لی و مون^۶ (۲۰۱۳) نشان داد که تعداد خانم‌ها در مقایسه با آقایانی که در صورت امکان قصد مهاجرت به خارج از کشور را داشتند، به‌طور معناداری بیشتر بود. اکمن^۷ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد تعداد عوامل جاذبه در دانشجویان مرد از نظر آماری بالاتر از تعداد عوامل جاذبه در زنان

۱. Myers
۲. Murakami
۳. Inayati, Arai & Sarjono
۴. Halevi, & Moed
۵. Benedict & Ukpere
۶. Lee & Moon
۷. Akman

دانشجو بوده است. با این تفصیل، بر اساس پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته و با استناد به دیدگاه‌های نظام آموزشی اقتباسی و تینتو در کنار دیدگاه سیستمی در خصوص مهاجرت دانشجویان نخبه، سؤالات زیر قابل طرح می‌باشند:

۱. آیا میان متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، وضعیت تأهل، مقطع) با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه رابطه وجود دارد؟
۲. آیا میان میزان رضایت دانشجویان نخبه از دانشگاه با گرایش به مهاجرت رابطه وجود دارد؟
۳. آیا میان نگرش نسبت به تصویر دانشگاه دانشجویان نخبه با گرایش به مهاجرت رابطه وجود دارد؟
۴. آیا میان جو دانشگاه با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه رابطه وجود دارد؟
۵. متغیرهای میزان رضایت دانشجویان، تصویر دانشگاه و جو دانشگاه تا چه میزانی پیش‌بینی کننده گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه هستند؟
۶. آیا میان دانشجویان نخبه، گرایش‌های گوناگونی به مهاجرت وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. جامعه آماری (۱۶۳ نفر) شامل برگزیدگان از میان نمرات اول رشته‌های دانشگاهی کارشناسی و بالاتر، مطابق با آخرین گزارش دفتر استعداد درخشان دانشگاه سمنان در نیمسال اول تحصیلی ۹۵-۹۴ بود. با توجه به تعداد دانشجویان نخبه و به منظور به حداکثر رساندن دقت مطالعه و احتمال عدم مشارکت در این مطالعه و مواجه نشدن با اشکال در محاسبات، از شیوه تمامی شمارای برای به دست آوردن جمعیت نمونه استفاده شد. برای اجرای این پژوهش، پرسشنامه به صورت اینترنتی در اختیار دانشجویان مذکور قرار گرفت. پس از گذشت دو هفته از اولین ایمیل پرسشنامه، به دانشجویانی که پاسخی از آن‌ها دریافت نشد، پرسشنامه دوباره ایمیل شد. پس از گذشت ۴ هفته انتظار برای دریافت پاسخ، به دلیل دریافت پاسخ‌های اندک، نامه پیگیری به پیوست پرسشنامه، برای بار سوم به آن‌ها ارسال شد. بعد از انجام این سه مرحله، ۱۳۷ نفر به ارسال ایمیلی واکنش نشان دادند، اما فقط ۱۲۵ پرسشنامه تکمیل شد (نرخ پاسخگویی = ۷۷ درصد) و تحلیل بر مبنای همین تعداد و با استفاده از آزمون‌های آماری تی، تعقیبی توکی، آنوا، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام و آزمون مجذور خی تک متغیری انجام شد.

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل چهار پرسشنامه است:

۱. پرسشنامه گرایش به مهاجرت دانشجویان؛ جانعلیزاده و همکاران (۲۰۱۴): که به صورت طیف لیکرت و شامل ۱۸ گویه بود، استفاده شد. روایی و پایایی این پرسشنامه بر اساس پژوهش‌های پیشین مورد تأیید قرار گرفته است. مقدار پایایی آن در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۲ محاسبه شد.

۲. پرسشنامه میزان رضایت دانشجویان؛ ایزدی، صالحی و قره‌باغی (۲۰۰۸): هدف این پرسشنامه سنجش میزان رضایت مندی دانشجویان به‌عنوان مشتریان دانشگاه از خدمات آموزشی بود که در این پژوهش پرسشنامه صرفاً برای اندازه‌گیری میزان رضایت مندی دانشجویان از خدمات آموزشی و پژوهشی دانشکده محل تحصیل (۱۰ گویه) اصلاح گردید؛ پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ به میزان (۰/۸۷) مورد تأیید قرار گرفت.

۳. پرسشنامه نگرش دانشجویان از تصویر دانشگاه؛ لورا، آرپان و رینی^۱ (۲۰۰۳): که هدف آن، بررسی نگرش‌ها در زمینه تصویر دانشگاه می‌باشد، ساخته شده است که در ایران توسط مقیمی و رمضان (۲۰۱۱) ترجمه و رواسازی شده است؛ در این پژوهش پرسشنامه صرفاً برای اندازه‌گیری بعد علمی (۱۰ گویه) اصلاح گردید؛ پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ به میزان (۰/۸۵) مورد تأیید قرار گرفت.

۴. پرسشنامه جو دانشگاه؛ نصرتی و همکاران (۲۰۱۵): که شامل چهار بعد (ارتباطات، مشارکت، دانشجو محوری، معنویت) در ۱۵ گویه که برای مؤلفه‌های جو ارتباطی (۳ گویه)، جو مشارکتی (۴ گویه)، جو دانشجو محوری (۵ گویه) و جو معنویت (۳ گویه) اختصاص داده شد. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ به میزان (۰/۸۹) مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج به‌دست‌آمده از آمار جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان نشان داد که ۵۵/۳ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۸۷/۹ درصد آنان مجرد بودند، همچنین ۴۸/۲ درصد پاسخ‌دهندگان زیر ۲۰ سال سن داشتند و سطح تحصیلات، ۵۰/۹ درصد آنان کارشناسی بود. سایر اطلاعات جمعیت شناختی در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: آمار جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان پژوهش

متغیر جمعیت شناختی	درصد
جنسیت	زن ۵۵/۳
	مرد ۴۴/۷
تاهل	مجرد ۸۷/۹
	متاهل ۱۲/۱
سن	زیر ۲۰ سال ۴۸/۲
	بین ۲۰-۳۰ سال ۳۶/۳
	بالای ۳۰ سال ۱۳/۹
تحصیلات	کارشناسی ۵۰/۹
	کارشناسی ارشد ۳۲/۵
	دکتری ۱۵/۴

۱. Laura, Arpan & Raney

متغیرهای جمعیت شناختی با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه رابطه دارد: همان‌طور که نتایج (جدول ۲) نشان می‌دهد بین دانشجویان نخبه (پسر و دختر) و دانشجویان نخبه (مجرد و متأهل) در زمینه گرایش به مهاجرت تفاوت معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، دانشجویان پسر و دانشجویان مجرد، نسبت به سایر دانشجویان نخبه، گرایش بیشتری به مهاجرت دارند.

جدول ۲: مقایسه متغیرهای اصلی بر حسب جنسیت و تأهل با آزمون t گروه‌های مستقل

متغیر	سطوح	میانگین	درجه آزادی	میزان t	سطح معنی‌داری	حد پایین	حد بالا
گرایش به مهاجرت	پسر	۳/۷۲۲	۳۷۲	-۱۳/۹۰۳	۰/۰۰۰	۱/۴۵۶	۱/۰۹۴
	دختر	۲/۹۹۸					
	متأهل	۲/۶۴۵					
	مجرد	۳/۳۳۲					

با توجه به مقدار F به دست آمده (جدول ۳)، می‌توان بیان کرد که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha=0/05$ بین میانگین گرایش به مهاجرت نمونه پژوهش، با متغیر سن وجود ندارد؛ اما با متغیر مقطع تحصیلی وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی توکی^۱ نیز حاکی است که میزان گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه در مقطع کارشناسی ارشد، بیشتر از سایر دوره‌های تحصیلی می‌باشد.

جدول ۳: نتایج مربوط به آزمون آنوا در مورد گرایش به مهاجرت بر حسب سن، مقطع و رشته

متغیر	گروه	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig
گرایش به مهاجرت	سن	بین گروهی	۱/۲۷۶	۲	۰/۶۳۸	۱/۷۲۰	۰/۱۸۲
		درون گروهی	۷۷/۸۶۲	۳۷۱	۰/۳۷۱		
		مجموع	۷۹/۱۳۸	۳۷۳			
	مقطع	بین گروهی	۲۳/۸۴۴	۲	۱۱/۹۲۲	۱۲/۲۶۸	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۲۰۴/۰۶۸	۲۱۰	۰/۹۷۲		
		مجموع	۲۲۷/۹۱۲	۳۷۳			

۱. Tukey HSD

همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود بین تمامی متغیرهای پژوهش با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، رابطه منفی وجود دارد و همگی این ضرایب در سطح (۰.۰۱) معنادار می‌باشند.

جدول ۴: ماتریس ضرایب همبستگی^۱ بین متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
گرایش به مهاجرت	۱							
سطح معناداری								
رضایت دانشجویان	-۰/۵۵۲	۱						
سطح معناداری	۰/۰۰۱							
تصویر دانشگاه	-۰/۶۱۶**	۰/۶۴۸**	۱					
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰						
جو دانشگاه (کل)	-۰/۴۸۷**	۰/۴۵۶*	۰/۵۵۴**	۱				
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰					
جو ارتباطی	-۰/۳۸۲*	۰/۶۲۱**	۰/۴۹۰**	۰/۵۱۸**	۱			
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				
جو مشارکتی	-۰/۳۵۲**	۰/۳۲۱	۰/۳۹۲**	۰/۲۵۹**	۰/۴۲۷**	۱		
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰			
جو دانشجو محوری	-۰/۶۳۴*	۰/۴۸۳*	۰/۶۵۹**	۰/۷۰۷**	۰/۵۳۰**	۰/۳۲۸**	۱	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
جو معنویت	-۰/۱۱۲**	۰/۴۵۱**	۰/۴۹۸**	۰/۵۵۸**	۰/۴۰۹**	۰/۲۵۴**	۰/۶۵۹**	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

^{۱۱} ضرایب همبستگی که با علامت (*) مشخص شده‌اند در سطح (۰.۰۵) و ضرایبی که با علامت (**) مشخص شده‌اند در سطح (۰.۰۱) معنادار می‌باشند.

رضایت دانشجویان نخبه از دانشگاه با گرایش به مهاجرت رابطه دارد: مطابق با جدول (۴) بین رضایت دانشجویان از دانشگاه و میزان گرایش به مهاجرت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ضریب $0/55$ - بدین معناست که دانشجویانی که رضایت کمتری از دانشگاه دارند، تمایل بیشتری برای مهاجرت از کشور نشان می‌دهند.

نگرش نسبت به تصویر دانشگاه دانشجویان نخبه با گرایش به مهاجرت رابطه دارد: مطابق با جدول (۴) بین نگرش نسبت به تصویر دانشگاه و گرایش به مهاجرت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی $0/61$ - بدین معناست که هر قدر دانشجویان نگرش بهتری نسبت به تصویر دانشگاه داشته باشند، گرایش به مهاجرت نیز در آنان کاهش خواهد یافت.

جو دانشگاه با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه رابطه دارد: مطابق با جدول (۴) بین جو دانشگاه و گرایش به مهاجرت نیز رابطه عکس و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی $0/48$ - نشان می‌دهد که هر قدر جو مطلوب‌تری در دانشگاه حاکم باشد، گرایش به مهاجرت دانشجویان کاهش می‌یابد.

رضایت، تصویر و جو دانشگاه پیش‌بینی کننده گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه هستند: همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، نگرش نسبت به تصویر دانشگاه، رضایت دانشجویان و جو دانشگاه، به میزان ۱۶ درصد ($R^2=0/16$)، توانایی پیش‌بینی گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه را از کشور دارند.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون گرایش به مهاجرت دانشجویان از روی متغیر پیش‌بین

گام	ضریب همبستگی	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	خطای برآورد	استاندارد
۱ تصویر دانشگاه	$-0/616$	$0/379$	$0/372$	$0/254$	
۲ تصویر دانشگاه رضایت دانشجویان	$0/423$	$0/178$	$0/176$	$0/148$	
۳ تصویر دانشگاه رضایت دانشجویان جو دانشگاه	$0/401$	$0/160$	$0/155$	$0/155$	

مطابق با جدول (۶)، مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده متغیرهای، نگرش نسبت به تصویر دانشگاه ($0/42$)؛ رضایت از دانشگاه ($0/11$) و جو دانشگاه ($0/33$) محاسبه شده که تمامی این مقادیر معنادار می‌باشد و بر همین اساس به‌طور مثبت و مستقیم، می‌توانند گرایش به مهاجرت را در دانشجویان نخبه پیش‌بینی کنند.

جدول ۶: ضرایب رگرسیونی و آزمون‌های آماری مربوط در تحلیل رگرسیونی

سطح معناداری	t	ضریب رگرسیون استاندارد نشده		مدل
		ضریب رگرسیون استاندارد شده	B	
۰/۰۰۰	۷/۸۷۹		۰/۰۴۶	(Constant)
۰/۰۰۰	۴۱/۶۹۲	۰/۲۴۲	۰/۰۱۳	۱ تصویر دانشگاه
۰/۷۸۸	۰/۲۷۰		۰/۰۵۲	(Constant)
۰/۰۰۰	۲۲/۱۰۲	۰/۳۶۶	۰/۰۳۵	۲ تصویر دانشگاه
۰/۰۰۰	۱۴/۸۰۶	۰/۴۰۵	۰/۰۱۹	رضایت دانشجویان
۰/۶۳۳	۰/۴۷۸		۰/۰۵۲	(Constant)
۰/۰۰۰	۲۲/۸۹۰	۰/۴۲۱	۰/۰۳۵	۳ تصویر دانشگاه
۰/۰۰۰	۱۵/۱۱۲	۰/۱۱۰	۰/۰۱۹	رضایت دانشجویان
۰/۰۰۰	۱۰/۴۵۹	۰/۳۳۴	۰/۰۱۷	جو دانشگاه

دانشجویان نخبه دانشگاه، گرایش‌های گوناگونی به مهاجرت دارند: مطابق با جدول (۷)، به‌منظور بررسی این فرضیه از شاخص‌های توصیفی (فراوانی و درصد) و برای تحلیل تفاوت‌های فراوانی از آزمون مجذور خی تک متغیری استفاده شد که نتایج حکایت از وجود تفاوت در مقولات بود ($F < 0/001$ $F = 102/01$ = مجذور خی). به‌بیان‌دیگر ۵۱/۲ درصد گرایش متوسط و ۳۳/۶ درصد دانشجویان نخبه گرایش بالایی برای مهاجرت اعلام کردند.

جدول ۷: توزیع فراوانی نمونه برحسب سطح گرایش به مهاجرت

درصد	فراوانی	سطح گرایش به مهاجرت
۱۵/۲	۱۹	گرایش کم
۵۱/۲	۶۴	گرایش متوسط
۳۳/۶	۴۲	گرایش بالا
۱۰۰	۱۲۵	جمع کل

بحث و نتیجه گیری

نخبگان علمی به مثابه اصلی ترین رکن بنگاه‌های تولید دانش نظیر دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، بیشترین نقش را در فرایند توسعه جوامع ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، مهاجرت تحصیل‌کردگان و متخصصین، کشور را به سمت توسعه نیافتگی سوق می‌دهد و شکاف آن را با کشورهای توسعه یافته عمیق تر می‌کند (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲). از این جهت شناسایی و بررسی عوامل اصلی مهاجرت نخبگان علمی، چرایی آن و خاصه تلاش برای مهار و مدیریت آن از مسائل حیاتی و اصلی جامعه امروز ایران است. پژوهش حاضر نیز باهدف بررسی تأثیر میزان رضایت دانشجویان، نگرش نسبت به تصویر دانشگاه و جو دانشگاه بر گرایش به مهاجرت از کشور دانشجویان نخبه دانشگاه سمنان انجام شد.

در مورد سؤال اول پژوهش که در خصوص رابطه میان متغیرهای جمعیت شناختی با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، نتایج پژوهش مبین آن است که مردان نسبت به زنان گرایش به مهاجرت بیشتری دارند؛ به نظر می‌رسد که دانشجویان مرد نگرانی بیشتری در خصوص آینده شغلی و تحصیلی خود در کشور دارند و در نتیجه، برای رفع آن تمایل بیشتری به مهاجرت پیدا می‌کنند. افزون بر این، در فرهنگ ایرانی، زنان نسبت به مردان، ضمن داشتن محدودیت‌هایی، وابستگی بیشتری به خانواده‌های خود دارند؛ درحالی که مردان راحت تر اجازه مهاجرت و حتی به تنهایی زندگی کردن در محیط جدید را دارند. نتایج این فرضیه با پژوهش حکیم‌زاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳) و اکمن (۲۰۱۴). همسو و با پژوهش حاتمی و همکاران (۱۳۹۱)، نیکوکار (۲۰۰۹) و لی و مون (۲۰۱۳) ناهم‌سو می‌باشد. همچنین نتایج حاکی است که دانشجویان مجرد نسبت به دانشجویان متأهل، گرایش بیشتری به مهاجرت دارند؛ در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، در مقایسه با دانشجویان متأهل، مجردها تعهد کمتری نسبت به خانواده دارند و در نتیجه آزادی عمل بیشتری برای تصمیم به مهاجرت دارند. نتایج نشان داد که بین گرایش به مهاجرت با سن تفاوت معنی داری وجود ندارد؛ در تبیین نتیجه این فرضیه می‌توان می‌گفت، تصمیم به مهاجرت، در هر سن و زمانی ممکن است انجام پذیرد، به ویژه اگر شرایط ذهنی و عملی آن فراهم گردد و این مهم، با سن خاصی در دانشجویان با توجه به یافته‌های این فرضیه ارتباط ندارد، نتایج این فرضیه با پژوهش حکیم‌زاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳) و نیکوکار (۲۰۰۹)، ناهم‌سو می‌باشد. یافته‌ها بیانگر آن است که میزان گرایش به مهاجرت در مقطع کارشناسی ارشد، نسبت به سایر دوره‌ها بیشتر می‌باشد؛ این نتیجه با توجه به شرایط بهتر اخذ پذیرش و استفاده از بورس‌های تحصیلی و ادامه تحصیل بدون پرداخت هزینه در خارج از کشور در دوره‌های کارشناسی ارشد نسبت به سایر دوره‌های تحصیلی، قابل تبیین است؛ نتایج این فرضیه با پژوهش حکیم‌زاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳) هم سو است.

در مورد سؤال دوم پژوهش که در خصوص رابطه میان میزان رضایت با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، نتایج پژوهش حاکی از آن است که با کاهش رضایت دانشجویان نخبه از دانشگاه، میزان گرایش به مهاجرت آنان

افزایش می‌یابد. بر اساس تئوری نظریه نظام آموزشی اقتباسی، نخستین علت فرار مغزها از کشورهای در حال رشد به نظام آموزشی آنان ارتباط دارد که به تقلید از الگوهای آموزشی کشورهای اروپایی به وجود آمده است. افزون بر این، بر اساس دیدگاه تینتو (۱۹۷۵) اگر تجارب دانشجویان در نظام دانشگاهی منفی باشد، تعهدات و اهداف دانشجویان ضعیف و احتمال کمتری برای باقی ماندن دانشجویان در نظام وجود دارد. آلتنباخ و همکاران (۲۰۰۹) هم با استفاده از مدل جاذبه و دافعه، امکانات آموزشی با کیفیت پایین و دسترسی نداشتن به امکانات پیشرفته تحقیقاتی؛ و لین (۲۰۰۶) گسترش آموزش نامناسب با کپی برداری از کشورهای توسعه‌یافته که سبب تخصیص نادرست منابع در امر آموزش می‌شود را، از جمله مهم‌ترین عامل در تبیین پدیده مهاجرت نخبگان کشورهای جهان سوم بیان کرده‌اند و در همین راستا، پورترز^۱ (۱۹۷۶) مهم‌ترین عامل مؤثر در کنترل فرار مغزها را، ارتقاء و به‌روز نمودن سیستم‌های آموزشی می‌داند. بر همین اساس، تغییر در راستای بهبود نظام آموزشی، از جمله در نظر گرفتن بحث بومی‌سازی و تطبیق آموخته‌های علمی دانشجویان با نیازهای جامعه و بخش‌های مختلف صنعت می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد انگیزش و احساس رضایت از نظام آموزشی و در نهایت موجب کاهش تمایل به مهاجرت در دانشجویان نخبه شود؛ بنابراین، یکی از هدف‌های مهم مدیران دانشگاه‌ها، می‌بایست حداقل کردن نارضایتی دانشجویان نخبه باشد. چراکه در برابر جاذبه آموزشی آن‌سوی مرزها، صرفاً می‌تواند دافعه‌های سیستم آموزشی کشور را کاهش دهند. مطالعات ارشاد و حمایت‌خواه جهرمی (۱۳۸۶)، حکیم‌زاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳)، توکل و عرفان‌منش (۱۳۹۴)، زارع و هاشمی (۱۳۹۴)، جعفری معطر (۲۰۰۸)، موراکامی (۲۰۱۰)، پناهی (۲۰۱۲)، اینایاتی، آرای و سارجنو (۲۰۱۲)، هالوی و مود (۲۰۱۲)، بندیکت و اوکیپر (۲۰۱۲)، جانعلی‌زاده و همکاران (۲۰۱۴) نتایج این فرضیه را تأیید می‌کند.

در مورد سؤال سوم پژوهش که در خصوص رابطه میان نگرش نسبت به تصویر دانشگاه با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، یافته‌های پژوهش نشان داد که با نگرش منفی دانشجویان نخبه نسبت به تصویر دانشگاه، میزان گرایش به مهاجرت آنان افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که اگر تجارب دانشجویان در نظام دانشگاهی بیشتر منفی باشد، تعهدات و اهداف دانشجویان ضعیف‌تر شده و احتمال کمتری برای باقی ماندن دانشجویان در نظام آموزشی وجود دارد. مطالعه تینتو (۱۹۷۵) نیز نشان داد که تعاملات دانشجویان در دانشگاه نیز ممکن است به تجارب منفی که کاهش‌دهنده مقاصد و تعهدات آنان به مؤسسه است، منجر شود؛ بنابراین برای نگهداشت تصویر مثبت ذهنی دانشجویان از دانشگاه به‌عنوان ارزشمندترین دارایی، می‌توان با تدوین و اجرای برنامه‌های مناسب در زمینه بالا بردن کیفیت سیستم علمی و آموزشی دانشگاه می‌توان، ضمن افزایش نگرش مثبت به تصویر دانشگاه دانشجویان نخبه، زمینه کاهش مهاجرت آنان را فراهم کرد. نتایج این فرضیه پژوهش با مطالعه دورات و

همکاران (۲۰۱۰) همسو است و همچنین مطالعه، جیمز، بلدوین و مکینس (۱۹۹۹)، آرپان و همکاران (۲۰۰۳)، بنت و علیچودهایری (۲۰۰۹) و بندیکت و اوکپیر (۲۰۱۲) یافته‌های این فرضیه را تأیید می‌کنند.

در مورد سؤال چهارم پژوهش که در خصوص رابطه میان جو دانشگاه با گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، یافته‌های پژوهش مبین آن است که هر چه جو (ارتباطی، مشارکتی، دانشجو محوری و معنویت) نامطلوبی در دانشگاه حاکم باشد، میزان گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد این نتایج از یک سو بیانگر تأثیرپذیری دانشجویان از محیط پیرامونشان است که به عنوان یک اصل اساسی در تعلیم و تربیت مطرح و شناخته شده است (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۵: ۹۱)؛ از سوی دیگر نتایج حاکی از آن است که پژوهشگران جو منفی را برای رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی دانشجویان زیان بار می‌دانند. بر اساس مدل‌های فرایند ترک دانشگاه، ادغام دانشجو در روابط دانشگاهی مهم‌ترین پیشگویی‌کننده دوام و ماندن دانشجو است (تیتو، ۱۹۹۲؛ واتکینز^۱، ۱۹۹۲)؛ بنابراین، در محیط دانشگاه هر چه میزان مشارکت دانشجویان نخبه در کلیه فعالیت‌های مرتبط به‌ویژه علمی و آموزشی بالا رود و ساختار آموزشی متضمن دانشجو محوری باشد و همچنین دانشجویان نخبه با ارتباطات گسترده، در روند و بازده فعالیت‌های علمی دیگر مؤسسات علمی در سطح کشور و جهان واقع شوند و نیز جوی معنوی متناسب با نیاز دانشجویان در محیط دانشگاه حاکم شود، چراکه یکی از عناصر انسان بودن معنوی بودن است (مارکوس^۲، ۲۰۰۵) که با تکیه بر آن می‌تواند به آرامش خاطر و رضایت باطن یا یک شادی طولانی دست یابد (کمپوزانو^۳، ۲۰۰۹: ۱۲۷)؛ به تبع این شرایط گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه کاهش خواهد یافت. مطالعات صادقی و افقی (۱۳۸۴)، موحد و نیازی (۱۳۸۷)، محمدی و پیروی نژاد (۱۳۹۲)، حکیم‌زاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳)، زارع و هاشمی (۱۳۹۴)، نوروزی و همکاران (۲۰۱۵)، نصرتی و همکاران (۲۰۱۵)، هارتل و همکاران (۱۹۸۱)، فرایزر (۱۹۹۸)، فرایبرگ (۱۹۹۹)، مایرز (۲۰۰۰)، جعفری معطر (۲۰۰۸)، مورا کامی (۲۰۱۰)، اینایاتی، آرای و سارجنو (۲۰۱۲) و بندیکت و اوکپیر (۲۰۱۲) یافته‌های این فرضیه را تأیید می‌کنند.

در مورد سؤال پنجم پژوهش مبنی بر میزان پیش‌بینی کنندگی متغیرهای پژوهش در خصوص گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای پژوهش، گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه را پیش‌بینی می‌کنند. مبتنی بر دیدگاه سیستمی در نظریه‌های مهاجرت، گرایش به مهاجرت نخبگان را نباید تنها بر اساس یک متغیر مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. بلکه باید متغیرهای متعددی در ارتباط با یکدیگر و به‌طور متعادل در نظر گرفته شوند؛ در همین راستا و با توجه به برون‌کوچی گسترده دانشجویان نخبه از کشور،

-
۱. Watkins
 ۲. Marques
 ۳. Campuzano

در این پژوهش متغیرهای میزان رضایت و چگونگی تصویر دانشجویان نخبه نسبت به دانشگاه و جو حاکم بر دانشگاه‌های کشور که از مسائل مهم نظام آموزش عالی کشور به شمار می‌آید، لحاظ گردید؛ نتایج هم نشان داد که این عوامل با میزان گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه به صورت بسیار نزدیکی ارتباط دارند؛ بنابراین با بررسی تأثیر زوایای گوناگون رضایت، تصویر و جو دانشگاهی بر دانشجویان نخبه، می‌توان به چگونگی رفتار، احساسات، دیدگاه‌ها و نگرش آنان در خصوص گرایش به مهاجرت پی برد و واکنش احتمالی آنان را، ارزیابی، پیش‌بینی و حتی هدایت کرد. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به گرایش بیشتر نخبگان (پسر، مجرد و کارشناسی ارشد) به مهاجرت پیشنهاد می‌شود: با نگاهی ویژه‌تری به این گروه از نخبگان و نیازها و مطالبات آنان، از جمله ساماندهی شیوه‌های جذب و استخدام آنان از طریق افزایش ظرفیت‌های استخدامی مراکز علمی و صنعتی در بخش دولتی و خصوصی کشور و همچنین تدوین مقررات تسهیل‌کننده در امر کارآفرینی، برای کاهش گرایش آنان به مهاجرت اقدام شود.

۲. با توجه به تأثیر عدم رضایت دانشجویان نخبه بر افزایش گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه، پیشنهاد می‌شود: سیاست‌گذاران آموزش عالی با تلاش در راستای پاسداشت منزلت اجتماعی دانشجویان نخبه و اصلاح ساختار آموزشی و پژوهشی در راستای افزایش کیفی آموزش عالی، همچنین توسعه ظرفیت و افزایش سطح آموزش‌ها و دوره‌های تحصیلی بر مبنای نیازهای توسعه کشور، همچنین از طریق راهبردهایی نظیر، کمک گرفتن از بخش خصوصی، تعامل با صنعت، تأسیس شهرک‌ها و پارک‌های علمی و تدوین برنامه‌های آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار، زمینه رضایت بیشتر دانشجویان نخبه را فراهم تا از میزان گرایش به مهاجرت آنان کاسته شود.

۳. با توجه به تأثیر نگرش منفی دانشجویان نخبه نسبت به تصویر دانشگاه و افزایش گرایش آنان به مهاجرت پیشنهاد می‌شود: سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور باید به تصویری که در بین دانشجویان نخبه نسبت به دانشگاه شکل گرفته است توجه و حساسیت نشان داده و برنامه‌هایی برای توسعه و تقویت بخش‌های مورد تقاضا در دانشگاه در راستای کاهش نگرش منفی دانشجویان نخبه نسبت به تصویر دانشگاه تدوین کنند تا از میزان گرایش آنان به مهاجرت کاسته شود.

۴. مطابق یافته‌های پژوهش، مبنی بر تأثیر جو دانشگاه بر میزان مهاجرت دانشجویان نخبه، پیشنهاد می‌شود: با تحکیم مناسبات و علایق اجتماعی و عاطفی دانشجویان نخبه با علایق ملی و تقویت تعاملات، ارتباطات بین دانشجویان نخبه با اساتید و کارکنان و نظرخواهی از آنان برای تصمیمات و حل مسائل و تدوین فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و اینکه آنان احساس کنند مورد قدردانی قرار می‌گیرند و نیز رفتار مسئولان با آنان مبتنی بر آموزه‌های دینی و اخلاقی است از گرایش به مهاجرت آنان کاسته شود.

۵. با توجه به تمایل بیشتر دانشجویان دوره‌های مختلف تحصیلی به مهاجرت پیشنهاد می‌شود: سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور بتوانند با فراهم ساختن امکان اعزام دانشجویان به صورت‌های گوناگون از جمله، ارائه فرصت‌های مطالعاتی و یا بورسیه تحصیلی برای کسب تجربه، زمینه‌های لازم برای بازگشت مجدد آنان را فراهم کنند.

منابع

- _ارشاد، فرهنگ؛ حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به برون‌کوچی نخبگان علمی ایران (نظرسنجی از دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران). فصلنامه توسعه انسانی، ۱ (۳)، ۶۰-۴۳.
- _بلندهمتان، کیوان و محمدی، شیرکوه (۱۳۹۴). چرایی خودداری نخبگان از مهاجرت بازنمایی هویت استادی. راهبرد فرهنگ، ۸ (۳۱)، ۱۵۳-۱۲۷.
- _پورقاضی، شیوا (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون‌کوچی نخبگان علمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، چاپ‌نشده.
- _توکل، محمد؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). رهیافت تلفیقی جامعه‌شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تأکید بر جامعه ایران. سیاست علم و فناوری، ۷ (۲)، ۹۷-۸۳.
- _ثناگو، اکرم؛ جویباری، لیلا و مهرآور، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی دیدگاه گروهی از دانشجویان علوم پزشکی در خصوص جوسازمانی و محیط دانشگاهی. فصلنامه جنتاشاپیر، ۳ (۲)، ۳۰۹-۳۰۳.
- _جوادزاده، پدram (۱۳۹۴). علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا. مدیریت فرهنگی، ۹ (۲۸)، ۱۱۱-۹۵.
- _جواهری، فاطمه و سراج زاده، سید حسین (۱۳۸۴). جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، ۱۳ (۵۱-۵۰)، ۸۸-۵۳.
- _حاتمی، علی؛ جهانگیری، جهانگیر و فتاحی، سجاد (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل‌کرده به مهاجرت به خارج از کشور: مطالعه موردی دانشجویان دختر مراجعه‌کننده به مراکز اعزام به خارج دانشجو شهر شیراز. زن و جامعه، ۳ (۲)، ۸۰-۵۵.
- _رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائیان.

پیش‌بینی گرایش به مهاجرت از کشور دانشجویان نخبه بر اساس... / ۴۵

_زارع، سعید و هاشمی، سیده حکیمه (۱۳۹۴). بررسی رابطه انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور (دانشجویان کلیه مقاطع دانشگاه علامه طباطبایی). جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶، (۳)، ۸۰-۵۳.

_زلفی گل، محمدعلی (۱۳۸۴). مهاجرت ژن‌ها. رهیافت، ۱۳ (۳۴)، ۲۲-۱۳.

_سلیمی، جمال؛ بلندهمتان، کیوان؛ عبدی، آرش (۱۳۹۵). ابعاد تصویر دانشگاهی؛ مطالعه نگرش و تصورات دانشجویان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲ (۴)، ۹۸-۶۹.

_شاه‌آبادی، ابوالفضل و جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). تأثیر آزادی اقتصادی بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب G۷۷ به ایالات متحده آمریکا. پژوهشنامه بازرگانی، ۷ (۶۷)، ۱۸۲-۱۵۳.

_شهریاری پور، رضا (۱۳۹۶). مدل‌سازی عوامل مؤثر بر برون‌کوچی نخبگان علمی از سیستم آموزش عالی و پیش‌بینی مهاجرت‌پذیری آنان با استفاده از سیستم‌های هوشمند. پایان‌نامه دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان، چاپ‌نشده.

_صادقی، عباس و افقی، نادر (۱۳۸۴). نقش دانشگاه‌ها در کاهش مهاجرت نخبگان. رهیافت، (۳۶)، ۳۰-۲۲.

_صحبتی‌ها، فریبا؛ جمالی مهموئی، حمیدرضا و منصوریان، یزدان (۱۳۹۲). مطالعه علم‌سنجی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۴۷ (۳)، ۲۸۶-۲۷۳.

_ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۸۳). بررسی گرایش جوانان به اشتغال در خارج از کشور و عوامل مؤثر بر آن (کشورهای خلیج فارس). فصلنامه مطالعات جوانان، (۷)، ۷۳-۵۶.

_فیندلی، سلی (۱۳۷۳). برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه عبدالعلی لهسانی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.

_محمدی، مهدی و پیروی نژاد، زینب (۱۳۹۲). رابطه بین جو آموزشی و انگیزش درونی با تعهد عاطفی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۵ (۶۰)، ۹۰-۷۱.

_میرترابی، سعید، خاوری نژاد، سعید، (۱۳۹۳)؛ علل مهاجرت نخبگان از ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل (با تأکید بر دهه ۱۳۸۰)، علوم سیاسی، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، (۱۹)، ۲۳۳-۱۹۹.

_موحد، مجید و نیازی، صغرا (۱۳۸۷). رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان. پژوهش زنان، ۶ (۱)، ۵۴-۲۹.

_نراقی، احسان (۱۳۵۶). جامعه، جوانان، دانشگاه. چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

_Aghamollayi, T. Zare, Sh. & Abedini, S. (۲۰۰۶). Quality gap in educational services of students in Hormozgan University of Medical Sciences. Strides in Development of Medical Education, (۲)، ۳۱-۲۴ [Persian].

_Akman, V. (۲۰۱۴). Factors in Flouncing International Student Migration :A survey and evaluators of Turkey's case. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, ۵(۱۱), ۳۹۰-۴۱۵.

_Allan, W. Balaz, V. (۲۰۰۵). What Human Capital, Which Migration? Returned Skilled Migration to Slovakia; *the International Migration*, ۳۹۲)۴۳۹.

_Allport, G. W. (۱۹۳۵). Attitudes. In C. M. Murchison (Ed.), *Handbook of Social Psychology* (۷۹۸-۸۴۴). Winchester, MA: Clark University Press.

_Altbach, P. G. Reisberg, L. & Rumbley, L. E. (۲۰۰۹). Trends in Global Higher Education: Tracking Academic Revolutions. UNESCO ۲۰۰۹ World Conference on Higher Education, Paris, ۵-۸ July ۲۰۰۹.

_Arpan, L.M. Raney, A.A. & Zivnuska, S. (۲۰۰۳). A cognitive approach to understanding university image. *Corporate Communication: An International Journal*, ۸(۲), ۹۷-۱۱۳.

_Baron, Robert. A. (۱۹۹۷). *Social Psychology*, New York: A Viacom Company.

Benedict, O. H. & W. I. Ukpere. (۲۰۱۲). Brain Drain and Africal Development: Any Possible Gain from the Drain? *Frican Journal of Business Management*. ۶(۷), ۲۴۲۱-۲۴۲۸.

_Bennett, R. & Ali-Choudhury, R. (۲۰۰۹). Prospective students' perceptions of university brands: An empirical study. *Journal of Marketing for Higher Education*, ۱۹ (۱), ۸۵-۱۰۷.

_Campuzano, Lydia; Seteroff Guadalupe & Steve Sviatoslav (۲۰۰۹). A New Approach to a Spiritual Business Organization and Employee Satisfaction. *Eastern Academy of Management*.

_Duarte, P.O. Alves, H.B, & Raposo, M.B. (۲۰۱۰). Understanding university image: A structural equation model approach. *International Review on Public and Non-Profit Marketing*, ۷(۴), ۲۱-۳۶.

_Fraser, B.J. (۱۹۹۸). Classroom Environment Instruments: Development, Validity, and Applications. *Learning Environments Research*, ۱, ۷-۳۳.

_Freiberg, H.J. (Ed) (۱۹۹۹). *School Climate: Measuring, Improving, and Sustaining Healthy Learning Environments*. London: Flamer Press.

_Gitman, Lawrence J. & McDaniel, C. (۲۰۰۵). The future of business: the essentials. Mason, Ohio: South-Western.

_Hakimzadeh, R. Talaei, A. and Javanak, M. (۲۰۱۳). The impact of educational, social and cultural tendency to migrate from the country in Tehran University students. Research and Planning in Higher Education, ۶۹, ۸۱-۱۰۲.

_Halevi, G. & Moed, H.F. (۲۰۱۲). International scientific migration analysis generates new insights. Research Trends, Issue ۳۱, ۱۲-۱۴.

_Halpin, A. W. and Croft, D. B. (۱۹۶۲), the organizational climate of schools, Washington D.C. U.S. Department of Health, Education & Welfare: National Institute of Education.

_Hoy, W.K. and Miskel, C.G. (۲۰۰۸), Educational administration theory, research, and practice, New Yourk: Mc Graw-Hill.

_Huddleston, T.J. & Karr, M.B. (۱۹۸۲). Assessing college image. College and university, ۵۷(۴), ۳۶۴-۳۷۰.

_Inayati, T. Arai, T. Sarjono. P. U. (۲۰۱۲). Simulation Analysis of Brain Drain Phenomena from Indonesia Using System Dynamics, International Journal of BRIC Business Research (IJBBR). ۱(۱), ۱-۱۴.

_Izadi, S. Salehi, E. & Gharehbaghi, M.M. (۲۰۰۸). Evaluation of student satisfaction according to EFQM model customer oriented criteria (Case study of Mazandaran University). Journal of Higher Education Association, ۱(۳), ۱۹-۵۳ [Persian].

_Jafari Moatar, F. (۲۰۰۸). Elite migration. Tehran: Publications of Humanities Research and Development (in Persian).

_James, R. Baldwin, G. and McInnis, C. (۱۹۹۹), Which University? The Factors Influencing the Choices of Prospective Undergraduates, Centre for the Study of Higher Education, University, Centre for the Study of Higher Education, University of Melbourne.

_Janalizadeh choobasti, H. Aliverdinia, A. and Pourghazi, S. (۲۰۱۴). Sociological survey tend to scientific elite emigration. Culture strategy, ۱ (۲۵), ۱۵۳-۱۷۸.

_Kindt, C. A. (۲۰۰۸), Relationship between organizational climate and job satisfaction among middle school principals in central Florida, Docroral Dissertation, University of Florida.

Laura M. Arpan, Arthur A. Raney, Suzanne zivnuska. (۲۰۰۳) a cognitive approach _to understanding university iamage, Corporate Communication: An Internationak Journal, ۸(۲), ۹۷-۱۱۳.

_Lee, E. & M. Moon. (۲۰۱۳). Korean Nursing Students' Intention to Migrate Abroad. Nurse Education Today. ۳۳(۱۲), ۱۵۱۷-۱۵۲۲.

_Lien, D. (۲۰۰۶); "International Accreditation and Brain Drain: A Simple Model"; Economics of Education Review, ۲۵, June, ۳۳۵-۳۴۰.

_Macneil, J. L. Angus, Doris Prater, Steve Busch (۲۰۰۹). The Effects of School Culture and Climate on Student Achievement. Int. J. Leadership in Education, ۱۲(۱), ۷۳-۸۴.

_Marques, J.F. S. Dhiman & R. King (۲۰۰۵). "Spirituality in the Workplace Developing an Integral Model and a Comprehensive Definition". Journal of American Academy of Business, ۷(۱), ۸۱-۹۱.

_Moghimi, S M. & Ramezan, M. (۲۰۱۱). Bulletin Management (Volume ۱۲). Tehran: Publications Rahdan [Persian].

_Murakami, Y. (۲۰۱۰). Japans brain drain an analjsis of Japanese researches living in the United States. The Japanese Economy, ۳۷(۲), ۲۳-۵۷.

_Myers, S. (۲۰۰۰) Impact of Religious Involvement on Migration; Social Forces, ۷۹(۲), ۷۵۵-۷۸۳.

_Nikoukar, M. R. (۲۰۰۹). Studying tendency to migration among graduate students' of university of Tehran. (Master dissertation).Tehran University [Persian].

Norouzi, R. A. Nosrati Hashi, k. Hatami, M. and Motaghi, Z. (۲۰۱۵). The _relationship between University Atmosphere (communication, participation, student- centered, spiritual) with Academic motivation of students. Culture at the Islamic University, ۵(۱), ۱۰۰-۷۷.

_Nosrati Hashi, k. Najafi, M. Amini, M. Hatami, M. and Motaghi, Z. (۲۰۱۵). The relationship between University Atmosphere (communication, participation, student-centered, spiritual) with Self-Efficacy students. Journal of Education, ۱۰(۴۳), ۱-۲۴.

_Panahi, R. (۲۰۱۲). Factors Affecting Bran Drain from Iran. Journal of Basic and Applied Science Scientific Research. ۲(۳). ۳۰۰۳-۳۰۱۵.

Portes, A. (۱۹۷۶). Determinants of the Brain Drain. *International Migration Review*, ۱۰(۴): ۴۸۹-۵۰۸.

_Rowley, J. (۲۰۰۳), Retention: rhetoric or realistic agendas for the future of higher education, *The International journal of Educational Management*, ۱۷(۶), pp.۲۴۸-۵۳.

_Tinto, V. (۱۹۷۵). Dropout from higher education: A theoretical synthesis of recent research. *Review of Educational Research*, ۴۵(۱), ۸۹-۱۲۵.

_Tinto, V. (۱۹۹۲) ;Student Attrition and Retention; in: Clark, B. R. and Neave, G. R. (edits), *The Encyclopedia of Higher Education*; Oxford: Pergamon Press, ۳, ۱۶۹۷-۱۷۰۹.

_Watkins, D. (۱۹۹۲) ;Faculty and Student Interaction; in: Clark, B. R. and Neave, G. R. (edits), *The Encyclopedia of Higher Education*; Oxford: Pergamon Press, ۳, ۱۶۰۵-۱۶۱۴.

_World Migration in Figures. (۲۰۱۳). Department of Economic and Social Affairs, United Nations, Retrieved from: www.oecd.org/els/mig/World-Migration-in-Figures.pdf.